

مختل مانده است و چون در هنگام مأموریت مریض شده وزارت ماله ماهی بیست تومان مطابق ماده واحده در باره او تصویب نموده است پس از مذاکرات لازمه کمیسیون بودجه مطابق پیشنهاد وزارت ماله با کثرت تصویب مینماید .

ماده واحده - ماهی بیست تومان از حالت تجریر لغایت مدت زمانی که نظام الممالک اختلال حواس دارد برای معالجه و معاش هیالات او وزارت ماله بطور شهریہ بپردازد .

معدل الدوله - پس از قرائت این لایحه وزارت ماله اطلاعاتی که بنده در خصوص نظام الممالک دارم لازم است عرض بکنم شرح حال او را بعد ملت مخالفت خود را عرض میکنم این نظام الممالک پس مزین الدوله است که او معلم دارالفنون و غائب اشخاص که تحصیل کرده اند در مدرسه دارالفنون پیش او تحصیل کرده اند این شخص نظام الممالک داخل در مخبری شد و در اوقاتی که خود بنده دخالت در آنکار داشتم مثل یک نفر مستخدم خوب رفتگی کار می کرد با مسیو (دوبروک) و نقشه هایی که کشیده است الان در وزارت ماله حاضر است حالا این شخص سابقاً چه اثراتی داشته است عرض میکنم و خود بنده دیدم که در موقع خدمت از آنچه وظیفه اش بود بیشتر کار می کرد روز هشت ساعت نه ساعت در آفتاب و وایم کار می کرد که کسی نتواند ایرادی با او وارد کند در حین میزبانی در دست شهریار این مبتلا برض جنون شد و بواسطه شدت کار که مراقبت داشت بشغل خودش مبتلا باین مرض شد کمی که زندگی او بهای صدویست تومان که از وزارت ماله با و برسد ادا نمیشد و پس از ابتلای او که ناخوش بود وزارت ماله برای احتیاج تلمه که باو داشت ماهی چهل تومان باو میداد نمیدانم چه شده که حالا در این مورد این را بیست تومان تصویب کرده اند در صورتیکه چند ماه است که آن چهل تومان هم باو نرسد اگر قانون اجازه میداد که مبلغ اضافه کنیم بنده پیشنهاد اضافه میکردم بجهت اینکه بحق است اسباب این میشود که تشویق خواهد کرد و ایجاد خواهد کرد یکمده اشخاص کافی را برای این مملکت حالا در این پیشنهاد بنده چیزی را که مخالفت دارم فقط در این است که نوشته شده است از حالت تجریر و حال آن که خبر دارم از آن تاریخ تمام زندگانی او را فروخته اند و مخارج او کرده اند چون مرض او يك نوعی است که شاید علاج نشود اگر او را تلف نکنند باین جهت تقاضا کرده ام که پس از فوت او در حق ورثه اش که از هر کس ذیحق تر است و در موقع خدمت بملت و مملکت مبتلا باین مرض شده است مقرر شود.

رئیس - مذاکرات کافی است پیشنهاد آقای معدل الدوله قرائت میشود (بهارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم ماده واحده قانون ماهی بیست تومان مقرری نظام الممالک اینطور نوشته شود ماده واحده - ماهی بیست تومان از تاریخی که مقرری اداره میرزا نظام خان نظام الممالک مهندس ماله از وزارت ماله موقوف شده مادامیکه ناخوش و اختلال حواس دارد برای معالجه و معاش اولاد او وزارت ماله بطور شهریہ بپردازد و در

صورت فوت همین شهریہ در باره وراثت قانونی او بر قرار خواهد شد .

حاج عز الممالک - اگر چه از مخالفت آقای معدل الدوله نایبندگان خوب ملت شدند و انشاء الله رای به آن پیشنهاد خواهد داد ولی راجع به پیشنهاد آقای معدل الدوله بنده نمی توانم قبول کنم بواسطه این که این اضافه میشود بر آن چیزی که وزارت ماله پیشنهاد کرده است و کمیسیون رای داده است بآن چیزی که وزارت ماله پیشنهاد کرد و بعقیده بنده اگر بخواهد به پیشنهاد ایشان رای بگیرد شاید اسباب این شود که در این دوره تقنینیه چیزی برای او تصویب نشود.

معدل الدوله - بنده پیشنهاد خود مرا مسترد میکنم .

رئیس - پس گرفتند پیشنهاد خود را رای بگیریم بماده واحده راپورت کمیسیون بودجه آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید و آقایانی که رد می کنند ورقه کبود خواهند داد (در این موقع شروع باخذ رای شده و آقای حاج میرزا رضاخان اوراق رای را به این عده احصاء نمود ورقه سفید ۵۶)

رئیس - با کثرت (۵۶) رای تصویب شد راپورت های متعدده از کمیسیون بودجه رسیده است و دور نیست اغلب آنها را آقایان بخواهند رای بدهند و اگر بخواهند اینطور يك يك رای بگیریم اسباب اتلاف وقت میشود و هم این که در این دوره تقنینیه هم نمی توانیم رای بگیریم باین جهت از آقای مخیر کمیسیون بودجه خواهش میشود که يك راپورت مخصوصی برای تمام آنها بنویسد بطور ماده بندی که با قیام و قعود در آن ها رای بگیریم و بعد يك رای با اوراق در تمام آن ها بگیریم دستور روز ۳ شنبه بقیه قانون شرکت هاراپورت کمیسیون بودجه راجع به شتاب و نه هزار تومان برگشتی از بودجه وزارت دربار راپورت کمیسیون معارف راجع بروزنامه رسمی راپورت کمیسیون بودجه راجع به ارباب لطف الله .

ادیب التجار - در جلسه قبل شرحی راجع بقانون منع احتکار عرض کردم فرمودند بوزارت داخله نوشته شده که اعانه بدهند و مجدداً نوشته می شود اگر فرستادند که فرستادند اگر هم نفرستادند همان پیشنهاد جزه دستور گذاشته شود لذا بنده استدعا میکنم که روز سه شنبه جزه دستور گذاشته شود اگر تا روز سه شنبه آنها نظراتی در آن نموده و فرستادند قبها الا این آن جزه دستور گذاشته شود .

رئیس - عده برای مذاکرات کافی نیست) در این موقع که دو ساعت از غش میگذرد رئیس حرکت کرده جلسه ختم شد .

جلسه ۳۱۸

صورت مشروح روز سه شنبه پانزدهم شهر ذی قعدة ۱۳۲۶
رئیس - (آقای مؤتمن الملک) سه ساعت و ده دقیقه قبل از غروب بجای خود جلوس نمود پس از یک ربع مجلس رسماً افتتاح شد - صورت مجلس روز شنبه را آقای آقا میرزا ابراهیم خان قرائت نمود

غائبین جلسه قبل - آقایان د کتر علیخان - شریف العلماء براجازه - آقای حسن علی خان بدون اجازه - غائب - آقایان آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا آقا سید محمد باقر ادیب مریض بودند آقایانیکه از وقت مقرر تاخیر نموده اند مشیر حضور ۵۴ دقیقه - آقای حاج امام جمعه آقا سید حسن مدرس هریک یک ساعت و نیم

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست . **ادیب التجار** - بنده در آخر مجلس شرحی در دستور مجلس عرض کردم در باب قانون منع احتکار که اگر از وزارت داخله آن قانون را با نظریات خودشان بمجلس بفرستند همان قانون اولی مطرح مذاکره بشود این از نظر رفته است

رئیس - آنرا هم مینویسیم دیگر ملاحظاتی نیست ؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد در این موقع که نماینده ملایر مرحوم حاج مصدق الممالک برحمت ایزدی پیوسته است معلوم است که تمام همکاران آن مرحوم از این واقعه ناگوار خیلی متألم و متأثر هستند در این دو سال که آن مرحوم بسمت نمایندگی در مجلس بودند طوری اعضاء مجلس را فریفته افکار صائبه و صفات پسندیده خودشان کردند که در واقع محبوب القلوب همه ماها بودند در کمیسیون بودجه قرائتین ماله و مجلس از افکار صائبه ایشان در واقع منتفع میشدیم . فوت آن مرحوم در حقیقت دوسانه بزرگی است که بمجلس وارد شده است یکی فقدان این شخص که محبوب القلوب تمام ماها بود و دیگری فقدان یک شخصی که از حیث امور پارلمانی برای ما یکی از منفعت های بزرگ محسوب میشد (اطرف نمایندگان تصدیق شد)

رئیس - قانون شرکتهای تجارتی راپورت جدید طبع و توزیع شده گویا تمام آقایان رسیده باشد (گفتند - بله) ماده هشتم (ماده هشتم از راپورت جدید بعبارت ذیل خوانده شد) ساده - شرکت نامه یا مصدق است یا غیر مصدق شرکت نامه مصدق بیشتر محل اعتبار خواهد بود .

افتخار الواعظین مخبر - ماده اول میباید برای اینکه يك تجدید نظری در کمیسیون بشود این است که از ماده هشتم راپورت ثانوی کمیسیون قرائت میشود .

حاج وکیل الرعایا - میخواستم مخبر محترم جواب بدهند که آیا ممکن نیست که تمام شرکت نامهها مصدق باشد که محاکم تکالیفشان قهری آسان تر باشد و ترتیب محاکمات در آن به راحت تر از این طوری که حالا هست باشد اگر ممکن باشد که کلیتاً مصدق باشد گمان میکنم خیلی اسباب سهولت باشد .

افتخار الواعظین - مصدق شدن شرکت نامهها را هم نمیتوانیم اجباری بکنیم در قانون که حتماً بروند شرکت نامه های خودشان را مصدق بکنند ولی از برای اینکه تحریص و ترغیب کرده باشیم که بروند شرکت نامه های خودشان را مصدق بکنند . در قانون مینویسیم که شرکت نامهها مصدق بهتر و بیشتر محل اعتبار خواهد بود یعنی

زیاد بکنند دیگر کمتر از آن هم صحیح نیست که یک شرکت صد هزار تومانی یادوست هزار تومانی سهام لاو کمتر از چهار تومان باشد.

حاج سید ابراهیم - در اینماده که پیش گذشت ورای گرفتیم این بود که ممکن است دارای پنجاه برش دو تومانی باشد.

رئیس - ملاحظه نفرمودید آن قسمت را رای نگرفتیم مذاکرات کافی است رای میگیریم بماده ۲۹ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد یک ربع ساعت تنفس است (پس از بیست دقیقه مجدداً مجلس منعقد شد)

رئیس - ماده (۴۰) خوانده میشود (ببابت ذیل قرائت شد)

ماده (۴۰) - تمام سرمایه باید بقید بطلان قبول شده باشد.

رئیس - در اینماده مخالفی هست (اظهاری نشد)

رای میگیریم بماده (۴۰) بطوریکه قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (بعضی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد.

ماده ۴۱ - بقید بطلان شرکت باید تمام دارندگان سهام وجه آنرا پرداخته باشند در صورتیکه سرمایه پیش از صد هزار تومان نباشد ولی اگر سرمایه از صد هزار تومان بیشتر و از دویست هزار تومان کمتر است با تادیه سه ربع و از دویست هزار تومان بیلابانادیه نصف سرمایه شرکت را میتوان تشکیل داد مگر حصه جنسی که باید قبل از تشکیل شرکت تماماً بصرف داده شده باشد.

آقا محمد پروجردی - در شور اول عرض کردم که یکی از اصل شرکت نقد بودن وجوه سرمایه است که باید نقد باشد و مزوج با هم بشود بطوریکه ممتاز نباشد و اینکه مقنن از صد هزار بیلابانادیه هزار تومان بیلابانادیه مقنن از صد هزار بیلابانادیه باید نقد باشد و در باقی مسامحه کرده اند باید دانست که آنقدر را که نقد داده نمیشود شرکت در اموال منقول نمیشود و هر قدر یک نقد داده شده است شرکت در آن منعقد میشود.

افتخار الواعظین - این فرمایشی که آقا فرمودند واضح بود شرکت در آن چیزی که نقد نداده اند بدیهی است منعقد نمیشود قانون میگوید باندازه نصف در فلانقدر و باندازه سه ربع اگر سرمایه نقد حاضر شده باشد شرکت در آن اندازه تشکیل میشود پس از مزوج و مخلوط شدن منتهی باقی سرمایه را بسدها خواهند گرفت و مزوج خواهند کرد.

لواء الدوله - بنده بقید بطلان را نمیدانم چیست مثل اینکه در خصوص شرکت نامه مصدق سهامی که مصدق باشد از شرکت نامه غیر مصدق اعتبارش بیشتر باشد سؤالی شد آقای مخیر جوابی ندادند قانون باید زبان داشته باشد سابق هم عرض کرده ام خوب است آقای مخیر یک توضیحی بدهند که بدانیم مراد از بقید بطلان چیست.

افتخار الواعظین - در حدود مصدق کردن که گذشت ورای دادند و ترتیب مصدق کردن را هم در آن مواد معنی کرده اند مطالعه فرمائید آن مواد

را معلوم میشود اما قید بطلان اصطلاحی است در این قانون معنیش اینست که اگر این قید مراعات نشد شرکت باطل است.

رئیس - مذاکرات کافی است رای میگیریم بماده چهارم و یک آقایانیکه این ماده را بطوری که قرائت شد تصویب می نمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

افتخار الواعظین - در ماده چهارم بعضی از آقایان ملتفت نبودند باین جهت اکثریت حاصل نشد چنانچه یک مرتبه دیگر بخوانند ورای بگیرند تصویب خواهد شد.

رئیس - مشکوک نشد تا اینکه بنوانیم دو مرتبه رای بگیریم ۲۷ نفر از ۶۸ نفر نمایندگان حاضر رای دادند ممکنست حالا عبارت را یک تفسیری بدهند در جلسه دیگر رای بگیریم ماده ۴۲ خوانده میشود.

ماده ۴۲ - حصه جنسی باید بتوسط مدیران شرکت تقدیم شده بقید بطلان به تصدیق مجلس دارنده گان سهام برسد.

رئیس - مخالفی نیست رای میگیریم بماده ۴۲ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۴۳.

ماده ۴۳ - در مجلس اساسی صورت تقویم مدیران شرکت پیشنهاد میشود چند نفر به تصویب مجلس برای رسیدگی بتقویم جنس معین میشوند مقومین پس از رسیدگی راپورت کتبی بمجلسی که در ثانی منعقد خواهد شد میدهند مجلس پس از قرائت راپورت که طبع و توزیع شده است رای خود را میدهد و میتواند مجدداً حکم به تقویم نماید راپورت حقوق باید لااقل سه روز قبل از اجلاس ثانوی دارندگان سهام در دفتر شرکت حاضر باشند که هر کسی میخواهد رجوع نماید.

لواء الدوله - کمان میکنم آنقدر ها سبک نباشد اگر بنده عرض کنم نمیدانم اینجا میگوید در مجلس اساسی صورت تقویم قیمت مدیران این را نمیشود بطور اطلاق گذاشت بجهت اینکه قدر قیمت ندارد و قیمت نمیشود باید اینجا نوشته شود که در صورت قیمت مدیران.

رئیس - دیگر مخالفی نیست رای میگیریم بماده ۴۳ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۴۴.

ماده ۴۴ - برای صحت تشکیل شرکت مدیران شرکت باید در وزارت تجارت در حضور پنجنفر از تجار معتبر شهر اظهار نمایند که تمام سرمایه قبول و موافق ماده (۴۱) تادیه شده است صورتی از شرکاء با صورتی از وجوه تادیه شده بانضمام شرکت نامه مصدق بوزارت تجارت و پنج نفر شاهد ارائه میشود اظهار نامه که حاوی تمام این مطالب باشد بقید بطلان باید سه نسخه نوشته شده بامضای وزیر تجارت و یکی از معاضر شرع و پنجنفر شاهد برسد یک نسخه در دفتر وزارت تجارت یک نسخه در مرکز شرکت و یک نسخه

دیگر در وزارت عدلیه ضبط شود و بهر یک از این سه نسخه باید نسخه از تصدیق مجلس سهام در باب حصه جنسی منضم باشد.

حاج وکیل الرعایا - یک اصلاح کوچک مختصری است بجای پنجنفر از تجار معتبر نوشته شود پنجنفر از تجار متدین.

حاج آقا - بنده مخالفتم راجع باین است که اینماده ناقص است در حقیقت اینماده که اینجا نوشته شده است این حکم شرکتی است که در مرکز تاسیس شده و حکم در ولایات تاسیس میشود نوشته که در کجا اینکار را میکنند باید راجع بولایات هم مینویسند یا تمهید بر مرکز و غیر مرکز داده شود.

کاشف - وقتیکه قید شد در حضور پنجنفر از تجار بنده پنجنفر شاهد رادیکر زائد میدانم دیگر ببلایه آن پنجنفر شاهد دیگر لازم نیست.

افتخار الواعظین - مراد از پنجنفر شاهد پنجنفر از تجار بنده معلوم خواهد شد.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - اینجا نوشته شده است که اظهار نمایند که تمام سرمایه قبول و موافق ماده (۴۱) تادیه شده است و حال آنکه در ماده فوق گفتیم در بعضی دولت و در بعضی نصف این لفظ تمام خوب است برداشته شود.

افتخار الواعظین - این تمام راجع بقول است که موافق ماده ۴۱ تادیه شده است یعنی اگر دولت است دو نلک اگر نصف است همان تادیه شده.

رئیس - دیگر مخالفی نیست رای میگیریم بماده ۴۴ آقایانیکه اینماده را بطوریکه قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده ۴۵.

ماده ۴۵ - در ولایات مراتبی که راجع به وزارت تجارت است در نزد (امین تجارت) اگر باشد و حکومت والا نزد حاکم شهر بمعلو آمده و اظهار نامه بجهت نسخه نوشته میشود که یکی از آنها در دفتر حکومت ضبط و مابقی موافق ماده فوق بجایهای لازم داده میشود و اگر شرکت در شهرهای متعدد شعبه دارد برای هر یک از آنها یک نسخه اظهار نامه و یک نسخه تصدیق مجلس سهام نوشته شده بحکومت محل به فرستاده میشود که در دفتر ضبط بشود.

حاج امام جمعه - اینجا امین تجارت گویا مرادشان امین وزارت تجارت است خوب است درست توضیح کنند.

افتخار الواعظین - مراد همان است چنانچه مراد امین عدلیه امین وزارت عدلیه است.

رئیس - دیگر مخالفی نیست رای میگیریم بماده ۴۵ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۴۶.

ماده ۴۶ - اظهار نامه و تصدیق وجه جنسی باید موافق ماده ۲۷ اعلان شود)

رئیس - مخالفی نیست رای میگیریم بماده ۴۶ آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۴۷.

ماده ۴۷ - استادی که موافق ماده ۴۴ و ۴۵ در جاهای لازم ضبط شده است هر کسی حق دارد برای ارائه آن بجایهای مزبور رجوع نماید.

افتخار الواعظین - اینجا یک اصلاحی است باید بشود مرقوم فرمائید (هر کسی حق دارد برای رؤیت آن الی آخر)

میرزا ابراهیم خان - بنده کلیه مخالف کلمه هر کسم این عبارت چنین مینماید یعنی هر کسی از شرکاء و غیر شرکاء حق دارند باین جهت پیشنهاد میکنند نوشته بشود هر یک از شرکاء.

افتخار الواعظین - ضرری ندارد بهمین طور بنویسید.

حاج شیخ علی خراسانی - اینجا اشتباه کردند لفظ هر یک از شرکاء را نوشته اند و باید هر کسی نوشته شود بجهت اینکه اسنادیکه موافق ماده ۴۴ و ۴۵ در جاهای لازم ضبط شده اسنادی است که صحت تشکیل شرکت را میسرساند و میخواهند سهم بر دارند آن اسناد راجع بخود شرکت است هنوز مردم اسنادش را که دلات نمیکند بر صحت شرکت ندیده اند تا اینکه سهم بفرند پس این رؤیت راجع به هر کس است نه راجع به هر یک از شرکاء.

رئیس - مذاکرات کافی است اگر ایرادی دارید پیشنهاد کنید رای میگیریم بماده ۴۷ بر ترتیبی که قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۴۸.

ماده ۴۸ - علاوه بر شرایطی که برای صحت تشکیل شرکت ذکر شد باید مجلس دارندگان سهام هیئتی موسوم به هیئت ناظره که عده آن از ۳ نفر کمتر نباشد از میان شرکاء و غیر مسئول منتخب نمایند هیئت مزبوره که هر ساله تجدید انتخاب میشود موافق موادی که خواهد آمد ناظر اعمال مدیران شرکت و محافظ منافع شرکت است.

رئیس - در این ماده مخالفی نیست آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد ماده ۴۹.

ماده ۴۹ - مواد ۳۸ الی ۴۰ و ۴۸ الی ۴۸ اساسی است یعنی هر کدام از این شرایط رعایت نشود شرکت تشکیل نشده محسوب میشود و اگر از این بابت ضرری بشود که یا اشخاص خارج وارد آید خسارت وارده بر عهده مدیران شرکت و اشخاصی که در این امر مسئول هستند خواهد بود.

ارباب کبخسرو - ذکر مواد را در اینجا معیناً بنده صحیح نمی دانم چون بعضی مواد نگذاشته است مگر اینکه در ضمن رای قید شود که هر یک از آن مواد که تصویب شد در اینجا نوشته شود والا ممکن است بعضی از آن مواد که در اینجا نوشته شده است نگذرد.

افتخار الواعظین - ماده که نگذاشته باشد همان ماده چهلم است و البته هر طوریکه ماده چهلم تغییر داده شد این ماده شامل آن هم خواهد بود.

رئیس - دیگر مخالفی نیست رای میگیریم بماده ۴۹ بطوریکه قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده (۵۰)

ماده ۵۰ - مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معینی از میان شرکاء مسئول بانتهاب معین میشوند.

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم که این ماده راجع بانتهاب شرکت است باید در نظام نامه شرکت نوشته شود و در قانون نوشتن این زائد است در نظامنامه باید نوشته شود که مدیر همان موقع معین حق کار را دارد دیگر نوشتن در قانون لازم نیست.

افتخار الواعظین - تعیین راجع بنظامنامه است ولی اینکه سوائی یک مدت معینی باشد این جزء قانون است و باید اینجا نوشته شود.

ارباب کبخسرو - بنده این قید را این جا اصلاً زائد می دانم یک وقتی شرکتی تشکیل می نمایند که آن شرکاء فقط پول میدهند و همچو شخصی کافی که بتواند این شرکت را اداره بکند در میانشان نیست آن وقت گذشتن این ماده باین ترتیب مانع میشود برای یک چنان کاری و عقیده بنده این است که آن وقت شرکت یک شرکت بی اساسی خواهد بود.

افتخار الواعظین - بله آقای ارباب نظرشان متوجه است باینکه شخص مدیر باید یک شخص کافی عالم بتجارت باشد و فرق نمیکند که آن وقت این شخص از شرکاء مسئول باشد یا غیر مسئول وای این جا برای این که بهتر شرکت را حفظ کند و بیشتر دل سوزی کنند و منافع تجارت را بیشتر ملاحظه بکنند گفته اند که بهتر است از شرکاء مسئول باشد بجهت اینکه میدانند اگر ضرری وارد شود بشرکت یا بشرکت قرض دار بشود بر عهده او خواهد بود و فردا اسباب زیاده او فراهم خواهد شد و البته او بهتر محافظت میکند از یک شخص خارجی که مسئول نباشد و از خارج آمده آنجا نرفته باشد برای استحکام امر شرکت این بهتر خواهد بود.

حاج آقا - بیانی که آقای مخیر فرمودند بهیچوجه قانع نمیکند ما را که یک همچو قانونی را در اینجا بگذرانیم بواسطه اینکه آقایان همه میدانند که معنی مدیر آن کسی است که همه اختیار شرکت را بدست او میسپارند که بصورت در تجارت داشته باشد حالا ممکن است این شخص از بین شرکاء مسئول انتخاب شود ممکن است از شرکاء غیر مسئول و ممکن است هیچیک از شرکاء قابل اداره کردن نباشند یک نفر را از خارج بیاورند و اداره شرکت را با او سپارند اینست که بنده لازم میدانم این قید بشود که از شرکاء مسئول یا غیر مسئول هیچکدام لازم نیست نوشته شود این یک چیزی است که اگر خود شرکاء لازم دانستند که مدیر از شرکاء باشد از خود شرکاء انتخاب میکنند اگر لازم دانستند از خارج استخدام کنند از خارج بیاورند این یک چیز قانونی نیست که مادر اینجا بنویسیم.

افتخار الواعظین - بنده عرض می کنم راست است باید یک نفر عالم کافی باشد و بدیهی است برای مدیری یک شرکت بزرگ یک آدم خارج از تجارت و بی اطلاع را انتخاب نخواهند کرد ولی اینکه اینجا عرض کردم باید از شرکاء مسئول باشد

بدیهی است که بهتر و بیشتر حفظ منافع این شرکت را میکند تا اینکه یک آدم خارجی را گفته باشند آقا شما بیاید این شرکت را اداره کنید و ما هم ۲۰۰ تومان بگیریم اعم از اینکه نفع ما ضرر بشود و مردم هم که طرف معامله میشوند وقتی که بییند مدیر از شرکاء مسئول شده است و این شکل دلسوزی دارد بیشتر با شرکت اعتماد میکنند و آن شرکت محل توجه و اعتنا میشود تا یکمیدری که از خارج بیاید.

ارباب کبخسرو - بنده خیلی از فرمایشات آقای مخیر تعجب می کنم آیا هیچ مدیری نخواهد شد که از شرکاء مسئول باشد و دلسوزی نداشته باشد اینجا که شرح و بسط میدهند اساس شرکت را برای آسایش آنهاست و بنده عرض میکنم آنها که طرف واقع میشوند باید شرکت یادر مقام تشکیل شرکت هستند منافع خودشان را خیلی خوب منظور دارند آنها می بینند اگر بین خودشان کسی است که کار شرکت را اداره بکند او را انتخاب میکنند والا اگر می بینند که در بین خودشان یک چنین کسی نیست و کسی دیگر هست که بهتر از آنها اداره میکنند و منافع آنها را بهتر حفظ می کنند او را میآورند و مدیر قرار میدهند و بنده عقیده ام این است که این ماده را اگر اینجا تصویب بکنیم دست و پای شرکت را خواهد بست و آن شرکت که باین ماده معین باشد بی اساس خواهد بود.

میرزا یانس - بنده تصور میکنم آقایانیکه اقتدر در اینماده مذاکره میکنند بجهت بسوختن نامی است که حاصل شده است و آنمیدری که در اینجا ذکر شده است نه آنمیدری است که کارهای شرکت را اداره میکند مقصود آنکس است که اختیارات شرکت با اوست حالا از فراری که بعضی از آقایان میفرمایند صحیح است ممکن است خودشان بصورت صحیح در امور شرکت نداشته باشند ولی ممکن است اینحق را یک شخص ناک بدهند که آن شخص مستخدم باشد و همیشه آن شخص در تحت نظریات و تحت دلسوزی و اختیار داری این مدیری که اینجا نوشته شده است شرکت را اداره بکند.

حاج شیخ اسدالله - گویا آقای میرزا یانس اشتباه کرده اند و این عبارت را باید توضیح کرد عبارت میگوید مدیر شرکت مدیر آنکس است که شرکت را اداره میکند و اینجا معین میکنند که باید آن شخص از خود شرکاء مسئول باشد و نمیشود از خارج شرکت باشد اینجا بعضی مذاکرات شد خیلی هم صحیح فرمودند که شاید شرکت محتاج باشد با اشخاص خارج که برونند آنها را بیاورند برای اداره کردن شرکت اگر چه مسئولیت اصل این شرکت بهمه خود آنها است ولی میروند با شخص را برای استخدام شرکت میآورند اما مسئولیت خود پول بخود آنهاست ولی خود آنها تصدیق میکنند که آن شخص خارج بجهت آنها بهتر اداره می کند حالا در خصوص اینکه صاحب اختیار شرکت همان شرکاء مسئول هستند میگویم خودشان تصدیق میکنند که یک مدیر خارجی بیاورند دست و پای شرکت را نباید بست که در اداره کردن شرکت مختار باشد و این قید را از اینجا باید حذف کرد.

افتخار الواعظین - در باب اینماده در

کمیسیون خیلی مذاکرات شد و گمان میکنم اگر بنده هرايضم نانس است هيچ مربوط نيست باينماده لکن باعرض میکنم که بعضی فرمایشات اجتهادمقابل نرس است و از آقای ارباب سؤال میکنم که اگر جناب عالی بدانید که يك کسی که طرف معامله است با مردم بنام شرکت و در یکماده هم نوشته ایم که اختیارات مدیریامدیران را نمی توان محل نوشت و در شرکت نامه باید حدود آنرا معلوم کرد پس اداره کننده آتش کت مدیر است و بنام شرکت با مردم طرف معامله میشود لیکن از خودشان سؤال می کنم که اگر یکشتر کنی باشد که يك آدم خارجی را در آن آورده باشد اجیر کرده باشند و باو يك مواجی از طرف شرکت بدهند او بیشتر بمنافع شرکت توجه خواهد کرد یا يك کسی که خودش از شرکاء مسئول است و مبلغی سرمایه دارد و از شرکاء مسئول بلاحد است و میداند که اگر چنانچه خسارتی و قرضی بشرکت وارد شد او ذمه دار است آنوقت شما باو بیشتر اعتماد دارید یا بيك مدیر خارجی .

رئیس - مذاکرات کافی نیست (اظهار کردند کافی است)

رئیس - دو فقره اصلاح رسیده است قرائت میشود (بترتیب ذیل قرائت شد) از طرف حاج شیخعلی - بنده پیشنهاد میکنم ماده (۵۰) اینطور نوشته شود مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معین بانتخاب معین میشود

از طرف حاج عزالمالک - ماده ۵۰ مدیریا مدیران شرکت برای مدت معین بانتخاب شرکاء معین میشود .

افتخار الواعظین - اینماده با پیشنهاد ها

بکمیسیون برگردد از طرف حاج آقا - ماده ۵۰ مدیریامدیران شرکت برای مدت معین بانتخاب شرکاء معین خواهد شد

رئیس - اینماده با پیشنهادهاییکه شده است بر میگردد بکمیسیون جمعی از آقایان هم چون کارن، دارند تقاضا کرده اند جلسه زودتر ختم شود اگر مخالفی نباشد بقیه شور این قانون بماند بجلسه آتی

دستور پنجمشنبه قانون شرکتهای راپورت کمیسیون بودجه راجع بهشتاد و نه هزار تومان برگشتی از بودجه دربار راجع برایشی که از ولایات رسیده است مربوط بامتداد مجلس راپورت کمیسیون بودجه راجع باریاب لطف الله و ابتهاج السلطنه قانون منع احتکار راهم جزء دستور میگذاریم

دکتر سعیدالاطبا - راپورتی از کمیسیون فزواند عامه آمده است بنده تصور میکنم جزء دستور گذاشته میشود حالا تقاضا میکنم جزء دستور پنجمشنبه گذاشته شود .

رئیس - چون معلوم نیست که چند جلسه مانده است باخر دوره تقنینیه مجلس با نتیجه خوب است آقایان روز پنجمشنبه قدری زودتر تشریف بیاورند به ساعت ونیم بیروبه مانده حاضر باشند در اینموقع که بیست دقیقه از شب گذشته است رئیس شرکت کرد مجلس ختم شد

جلسه ۳۱۹

صورت مشروح یوم پنجشنبه ۱۷

شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۲۶

رئیس (آقای مؤمن الملک) سه ساعت و ربع قبل از غروب بجای خود جلوس نموده و پس از بیست دقیقه مجلس افتتاح شد - صورت مجلس روز سه شنبه را آقای آقا میرزا رضاخان نائینی قرائت نمودغائبین جلسه سه شنبه - دکتر اسمعیل خان وحسنمبلغان بدون اجازه و آقای طباطبائی با اجازه غائب بودند آقای سیدمحمد باقر ادیب و آقا میرزا علی اکبرخان دمخدا مریض بودند آقایانیکه از وقت مقرر تاخیر در حضور کرده اند میرزایانس دوساعت ونیم حاج امام جمعه و آقا سید حسن مدرس یکساعت و ۲۵ دقیقه دکتر امیرخان یکساعت آقا میرزا قاسم شان آقا میرزا رضای مستوفی - ناصر الاسلام هر يك نیم ساعت

رئیس - قانون منع احتکار راهم بتقاضای آقای ادیبالتجار جزء دستور کرده بودیم اینجا فراموش شده است غیر از این ملاحظاتی هست (اظهاری نشد)

رئیس - ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شدقانون شرکتهای تجارتنی از ماده (۵۱) ماده (۵۱) هیئت نظار پس از انتخاب هر چه زودتر منعقد شده و در شرایط تشکیل شرکت رسیدگی کرده اگر بعضی از آن ها رعایت نشده است مدیر انرا ملتفت این امر نموده و در صورت امتناع با مسامحه آنان مجلس صاحبان سهامرا منعقد و مراتب را اطلاع میدهند و در صورت تخلف امضاء هیئت ناظره با مدیران شرکت در تأدیبه وجه خسارت شریک خواهند بود

اریاب کبخسرو - بنده این عبارت هرچه زودتر راقانونی نمی دانم برای اینکه همچومیفهماند که دیرهم ممکن است این امررا انجام بدهند باید معین شود که بعد از انتخاب تاچه مدت هیئت نظار منعقد خواهد شد که خیلی طول میکشد برای اینکه هر چه زود را نمی توان مدت فرض کرد و بنویسیم هرچه زودتر باید تشکیل شود

افتخار الواعظین - اینجا بلاحظه اینکه همین شکلی که فرمودید تاخیر دراینکار نشود و موقت بشود این است که نوشته ایم که پس از آنکه مجلس اساسی منعقد شد هرچه زودتر این امررا انجام بدهند هیئت نظاررا معین کند حالا اگر کلمه باشد که از هرچه زودتر بهتر باشد بفرمایند اگر صلاح میدانند بنویسند فوراً .

حاج سیدابراهیم - اگر فوراً راقبول کنند عرضی ندارم

رئیس - قبول میکنید
مخبیر - بله قبول میکنم فوراً نوشته شود مجدداً ماده باصلاح قرائت شد

رئیس - در ماده (۵) دیگر مخالفی نیست آقایانی که ماده ۵۱ را بهمین ترتیب که قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده ۵۲ از راپورت جدید .

ماده ۵۲ - هیئت ناظره مأمور تقشیش و نظارت است و از این جهة حق دارد بدفاتر و صندوق و اسناد و نوشتجات شرکت رسیدگی کرده و هر نوع اطلاعی که لازم دارد از مدیران مطالبه نماید و مدیران باید در رأس هر ۳ ماه صورتی از قروض و دارائی شرکت به هیئت ناظره بدهند .

حاج سیدابراهیم - بنده هر ۳ ماه راخلیلی کم میدانم باید هر ۶ ماه باشد بجهت اینکه معاملات زود انجام نمیکرد که در هر ۳ ماه راپورت بدهند و خیلی هست که از ۴ ماه اول به ماه دوم میافتد گمان میکنم که ۶ ماه بنویسد بهتر است .

افتخار الواعظین - اینجا نوشته ایم از کلیه معاملات شرکت راپورت بدهند که آقای حاج سید ابراهیم گمان بفرمایند اسباب زحمت خواهد بود و ممکن نیست راپورت از آنها داد بلکه نوشته ایم صورتی از دارائی و قروض شرکت و البته معلوم است که در هر ۴ ماه ممکن است دانست که قرض شرکت چقدر و دارائی شرکت چقدر است و آن راپورت مشروحي که ایشان نظرشان هست آنرا نوشته ایم که هر ۶ ماه بشش ماه بدهند .

آقا میرزا احمد - در این ماده و مواد بعد که میباید لفظ مدیر باید اضافه شود مدیریامدیران بهمان دلایلی که مکرراً اینجا گفته شده است و این کلمه از اینجا افتاده است .

معین الرعایا - قروض شرکتی وقتی معلوم میشود که تمام حساب او را بدقت برسد و این زحمت فوق العاده است برای شرکت که در هر ۳ ماهی باین کار برسد و عقیده بنده این است که ۶ ماه باشد همانطوریکه فرمودند بهتر است .

افتخار الواعظین - ماده ۵۳ را ملاحظه بفرمایید که پس از این ماده است آن راپورت مشروحي را که میفرمائید عرض کردم سالی یکبار بنده است این فقط يك صورت مختصری است از قروض و دارائی شرکت کدر هر ۳ ماه سه ماه معین میشود کدارائی شرکت چقدر و قروض چقدر است و این قدر اسباب زحمت نیست .

رئیس - دیگر مخالفی نیست رأی میکنیم ب ماده ۵۲ با اضافه لفظ مدیر قبل از مدیران آقایانیکه تصویبی کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده (۵۳)

ماده ۵۳ - هر ساله مدیران شرکت راپورت مشروحي که متضمن صورتهای ذیل باشد مرتب خواهند کرد - اولاً صورتی از اموال منقوله و غیر منقوله شرکت باتمیین قیمت آن (تألیفاً) صورتی از مطالبات و قروض شرکت (تالیفاً) صورتی از تعهدات شرکت (رابعاً) صورتی از حساب و ضرر راپورت مزبور طرز تقسیم برنج بطور صحیح معین و اصلاحات یا اقداماتی که برای پیشرفت امور شرکتی صلاح میدانند متذکر میشوند (این راپورت باید پیشنهاد مجلس سهام بشود)

رئیس - در راپورت مزبور طرز تقسیم برنج (در) افتاده است .

آقا محمد - عرض بنده این است که وقتیکه صورت مشروح نوشته میشود و این نوشتن مطالبات و قروض را در يك صورت صحیح نیست بعضی از دفتر های تجاررا دیده ام که مطالباتشان علیحده مینویسند و قروض را